

فصلنامه علمی «پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی»

شماره هفتم، بهار ۱۴۰۲: ۱۳۳-۱۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی

تجربه زیسته دختران از ادراک مسائل و ویژگی‌های مرتبط با جنسیت

* پروانه دانش

** ملیحه عابدی

*** مرتضی رنجبر

چکیده

ادراک و تجربه از جنسیت به مثابه الگوی تثبیت شده می‌تواند بر کنش‌های اجتماعی و تربیتی افراد، نقش مهمی داشته باشد. این تحقیق به مطالعه تجربه‌های زیسته دانش‌آموزان دختر از دخترانگی می‌پردازد. روش پژوهش، روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی است. نمونه مورد بررسی، هفده نفر از دانش‌آموزان دختر تهران است. تعداد نمونه‌های مورد بررسی بر اساس اصل اشباع نظری تعیین شد. روش جمع‌آوری داده‌ها، روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است. روش تحلیل داده‌ها، روش تحلیل مضمون است. پس از جمع‌آوری داده‌ها، روایت‌های دانش‌آموزان از دخترانگی، کدگذاری و مقوله‌بندی شد. با بررسی مصاحبه‌ها، سه مضمون اصلی به دست آمده است که در مرحله تحلیل، ۹ مقوله فرعی و ۲۳ مفهوم به دست آمد. مضامین اصلی شامل ویژگی‌های دخترانه، مسائل دخترانه و عاملیت دخترانه می‌شود. همچنین مقوله‌های فرعی نیز شامل ویژگی انحصاری دخترها، تفاوت دختر و پسر، دختر خوب بودن، تبعیض جنسیتی، نگاه جنسیتی، کلیشه‌های جنسیتی، تغییر نگرش‌ها، نقش خانواده در مسائل و راهبردهای دخترانه می‌شود. بررسی تجربه‌های زیسته دختران نشان می‌دهد که هرچند نمونه‌های بررسی شده

P_danesh@pnu.ac.ir

* نویسنده مسئول: دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

maliheh.abedi@student.pnu.ac.ir

** دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

mranjbar984@gmail.com

*** دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران



برخی از ویژگی‌های احساسی و رفتاری مرسوم دخترانگی را بازتولید می‌کنند، روایت‌های دانش‌آموزان از دخترانگی نشان می‌دهد که آنها به دلیل دختر بودن با محدودیت‌ها و محرومیت‌هایی در جامعه مواجه هستند. همچنین آنها در زندگی اجتماعی و روزمره، احساس بی‌عدالتی و تبعیض می‌کنند. دانش‌آموزان مورد بررسی از تصورات غلط اجتماعی که نسبت به دختران وجود دارد، ناراضی بوده، خواستار عاملیت و کنشگری بیشتر دختران در جامعه هستند.

واژه‌های کلیدی: دخترانگی، تجربه زیسته، کلیشه جنسیتی، تبعیض و جنسیت.

مقدمه

دختران نوجوان در دهه‌های اخیر به موضوعی جذاب و محوری در گفت‌وگوهای مختلف در حوزه عمومی و نیز محافل دانشگاهی غرب تبدیل شده‌اند. طبق آنچه محققان فمینیست از دهه ۱۹۶۰ تاکنون به تصویر کشیده‌اند، می‌توان شاهد افزایش رؤیت‌پذیری دختران و تغییر از حالت سوژه‌های در حاشیه و محدود به فضای خانه، به مشارکت‌کنندگان فعال در فضای عمومی تحصیل، کار و تفریح بود. زمانی هویت و تجربه‌های دختران در تحقیقات درباره فرهنگ جوانان و کودک نادیده گرفته می‌شد، اما در مقابل به طور گسترده بر پسران متمرکز بود (ر.ک: Hardy & Carlo, 2005).

کشور ما به لحاظ بافت سنی غالب آن، دارای جوانانی است که بسیاری از آنها در آغاز این مرحله یعنی سنین نوجوانی به سر می‌برند. دوره نوجوانی، یکی از چالش‌های اساسی جامعه ایرانی است. در این میان هرچند دوران بلوغ و نوجوانی دخترها، حساسیت بیشتری دارد، به نظر می‌رسد سهم دختران نوجوان از نوجوانان پسر هم کمتر است؛ زیرا دختران از دو جهت به صورت مضاعف به حاشیه رانده شده‌اند: جنس و سن. اصطلاح جنس بر تفاوت‌های بیولوژیک میان زن و مرد دلالت دارد. حال آنکه جنسیت ناظر بر ویژگی‌های شخصی و روانی است که جامعه آن را تعیین می‌کند و با مرد بودن یا زن بودن و به اصطلاح «مردانگی» و «زنانگی» همراه است. جنس با جنسیت پیوندی آشکار دارد. جنسیت به مثابه «جنبه‌های روان‌شناختی» اجتماعی و فرهنگی مرد بودن و زن بودن انگاشته می‌شود. به عبارت دیگر جنسیت، نمود ویژگی‌های مردان و زنان در مواجهه با زندگی اجتماعی و فرهنگ از طریق اجتماعی شدن است. بخش درخور توجهی از مطالعات جنسیت به مسئله زنانگی معطوف است. زنان به نسبت سایر اقشار اجتماعی، جایگاه فرودستی را در اختیار داشته‌اند. تغییرات به وجود آمده در نیمه سده بیستم به روشنی ماهیت نظام‌یافته کار زنان و ابعاد خانگی زندگی اقتصادی و سیاسی را به تصویر می‌کشد (ر.ک: هال، ۱۳۹۳).

با وجود تغییرات در جذب زنان در بدنه اقتصادی، همچنان تنش جدی بین واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی با ایدئولوژی‌های جنسیتی و گرایش عمومی به پرداخت دستمزد پایین‌تر به زنان وجود دارد، حتی زمانی که مشغول به انجام کار

مشابه با مردانند. زنان در اغلب جوامع، جایگاهی تثبیت‌یافته دارند و این جایگاه‌ها، فقر گسترده‌ای بین گروه‌های مختلف زنان در پی داشته است.

جامعه‌شناسان در مطالعات مردان و زنان، میان دو مفهوم جنس و جنسیت، تفاوت قائل می‌شوند. بر همین مبنا، دو دیدگاه ذات‌گرایی و سازه‌گرایی در مطالعات مردان و زنان مطرح می‌شود. ذات‌گرایان بر ویژگی‌های بیولوژیکی مردان و زنان تأکید می‌کنند و بر این باورند که چیزی با عنوان طبیعت انسان وجود دارد که پایدار است و رفتار و عمل انسان هم تحت تأثیر آن است؛ در حالی که از نظر سازه‌گرایان، جنس بیولوژیکی تنها عامل تعریف زن یا مرد بودن نیست، بلکه ارزش‌ها و انتظارات اجتماعی و تصورات کلیشه‌ای از نقش‌های جنسیتی، مردانه بودن و زنانه بودن را در یک فرهنگ تعیین می‌کند. در جهان امروز، جنسیت یکی از ارکان مهم هویت انسانی است، در نحوه نگرش افراد به خود و شیوه‌های رفتاری و چگونگی مشاهده دیگران دخالت می‌کند و هویت‌ها و خودپنداشت‌ها را شکل می‌دهد. جنسیت، مقوله‌ای صرفاً ذهنی نیست؛ بلکه از روابط عینی شکل می‌گیرد و در قالب کنش و تعامل اجتماعی نمود می‌یابد (ر.ک: یعقوبی، ۱۳۹۳).

مفهوم دخترانگی به مفهوم جنسیت، نزدیک‌تر است که در تمامی جوامع، یکی از سازه‌های اولیه شکل‌دهنده هویت و تجارب افراد است؛ اما اهمیت و نقش آن از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر تغییر می‌کند (ر.ک: Zajdow, 2007).

در این راستا جوامع بر مبنای فرهنگ و ساختار اجتماعی‌شان، وظایف و ویژگی‌های خاصی را برای هر جنس در نظر می‌گیرند که در راستای سایر ارزش‌های آن جامعه است و با تمام ارکان جامعه پشتیبانی می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که باز تولید تمایز فرهنگی خصائص زنانه و مردانه، محصول کارکردهای سازمان‌یافته اجتماعی است. جامعه‌پذیری، فرآیندی است که طی آن، چنین هدفی حاصل می‌شود و مردم به واسطه آن، تمایز جنسیتی را درمی‌یابند که به دلیل زن یا مرد بودن، چه انتظاراتی از آنها می‌رود و یاد می‌گیرند که چگونه این ویژگی‌ها را بروز دهند. این فرآیند ابتدا با مفهومی از جامعه که به صورت رسمی تثبیت شده است، آغاز و قوانین خاصی به اعضای بالقوه آن مجموعه تلقین می‌شود. در حقیقت جامعه افراد را همان‌گونه که مطلوب اوست، شکل می‌دهد. بدین ترتیب دخترانگی، مجموعه‌ای از معنایی است که به صفات، رفتارها،

منش‌ها، ظواهر، نقش‌ها و انتظاراتی اشاره دارد که طی فرایند اجتماعی شدن با دخترانگی مرتبط می‌شود (ر.ک: Shea & et al, 2014).

بر این اساس می‌توان گفت که دخترانگی، احساس و تصویری است که دختران در زندگی اجتماعی، از دختر بودن کسب می‌کنند و شامل انتظاراتی است که به عنوان یک دختر برای خود تعریف می‌کنند. بخش مهمی از هویت دختران را باورهای آنان از کلیشه‌های جنسیتی که از طریق فرایند جامعه‌پذیری کسب می‌کنند، شکل می‌دهد. البته دختران، سوژه‌های منفعلی در مقابل کلیشه‌های جنسیتی نیستند که فقط آنها را از طریق فرایند جامعه‌پذیری بپذیرند؛ بلکه در مقابل این کلیشه‌های جنسیتی، آگاهانه و کنشگرانه عمل می‌کنند (ر.ک: Kelly & et al, 2016).

فراادستی مردان و فرودستی زنان، واقعیتی است که در جامعه ایران نیز وجود دارد و درباره آن و پیامدهایش، بحث و بررسی شده است. شمار زیادی از دختران و زنان جامعه، بدون پی بردن به نابرابری‌های موجود، به زندگی روزمره خود ادامه می‌دهند، با این تصور که شرایط باید اینگونه باشد. اما هنگامی این نابرابری تبدیل به احساس نابرابری در آنها می‌شود که آنها به خودآگاهی برسند و از حقوق خود به عنوان یک انسان آگاه شوند. این امر نیز زمانی رخ می‌دهد که زنان، امکان تحصیل در دوره‌های عالی و در پی آن، آگاهی از حقوق خود و شرایط دیگر زنان جامعه را به دست آورند. چون این امکان برای بسیاری از آنان فراهم شده است، نابرابری موجود در جامعه تبدیل به احساس نابرابری می‌شود و به ایجاد مسئله در جامعه می‌انجامد (دهنوی و معیدفر، ۱۳۸۴: ۵۲).

محمدی اصل (۱۳۹۶) در کتاب خود با عنوان «برساخت اجتماعی جنسیت» می‌کوشد تا جنسیت را از منظر نظریه برساخت‌گرایی مورد تأمل قرار دهد. جنسیت، یکی از خصائص خرده‌نظام شخصیت است که در عین پیوستگی با سایر خرده‌نظام‌ها، از آنها نیز مستقل بوده، در ضمن با آنها مبادلات کارکردی دارد. حتی اگر نقطه عزیمت تحلیل جنسیت، روابط نابرابر قدرت باشد، باز هم خرده‌نظام مولد آن یعنی سیاست، درست به قرینه شخصیت و به وساطت حزب و بوروکراسی و سازمان‌های غیر دولتی می‌ایستد و در نقاطی با سایر خرده‌نظام‌های اجتماعی به تبادل کارکردی می‌پردازد. یکی از اجزای مهم ساحت اجتماعی، جنسیت است که به طور عام نقش‌ها و

رفتارهای خود را بر دوش مرد و زن می‌گذارد. جنسیت در خلأ به وجود نمی‌آید، بلکه برساختی اجتماعی است که نقش‌ها و انتظارات ویژه‌ای را طلب می‌کند. جنس بیولوژیکی صرفاً عامل تعریف زن و مرد است، اما جنسیت به منزلهٔ مقوله‌ای اجتماعی- فرهنگی، نه تنها انتظارات اجتماعی از زن و مرد را تعریف می‌کند، بلکه تصورات کلیشه‌ای از نقش جنسیتی را نیز در یک فرهنگ تعیین می‌کند (ر.ک: یعقوبی، ۱۳۹۳).

هویت‌های جنسیتی که دختران طی اجتماعی شدن در نهادهای جامعه‌پذیر می‌آموزند و در پرتو اطلاعات و منابع فرهنگی جدید، آنها را بازنندیشی می‌کنند و فرایند بازاجتماعی شدن را طی می‌کنند، مرحله‌ای است که ارزش‌های زنانگی تکوین می‌یابند و در گذر زمان جرح و تعدیل می‌شوند. چیرگی این کلیشه‌های جنسیتی بر ساخت ذهنی دختران، هویت جنسیتی آنها را رقم می‌زند و به تناسب پذیرش یا نپذیرفتن این ارزش‌ها، آنها در سنخ‌های گوناگونی از زنانگی قرار می‌گیرند که به تناسب جایگاه خود، ارزیابی‌شان از هویت خود به عنوان یک دختر متفاوت خواهد بود. این مقاله تلاش دارد برای دستیابی به تجربه زیسته دختران و احصا مسائل مرتبط با آن با کمک روش‌های تحقیق کیفی، در بین دختران دانش آموز دبیرستانی مورد کنکاش قرار دهد. هر انسانی نخستین نمونه‌های نابرابری‌های جنسیتی در خانواده تجربه می‌کند. روابط پدر و مادر و سهم‌بری آنها از سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادی، تصویری عینی از روابط زن و مرد و تقسیم سرمایه بین آنها در ذهن کودک ایجاد می‌نماید (بخارایی، ۱۳۹۴: ۷۷).

پیشینه پژوهش

شریفی و همکاران (۱۳۹۸)، پژوهشی با عنوان «بررسی اثربخشی مداخلات تربیتی بر هویت اخلاقی دختران ۱۴-۱۸ سال؛ با تأکید بر چالش‌ها و محدودیت» انجام دادند. هدف پژوهش، بررسی اثربخشی مداخلات تربیتی بر هویت اخلاق دختران نوجوان، به روش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش، دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه ناحیه ۱ شهر قم بود که یک دبیرستان به روش در دسترس برای گروه نمونه انتخاب شد. از میان کلاس‌های این دبیرستان، پنج کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد و تمامی دانش‌آموزان این کلاس‌ها، پرسشنامه هویت

خویشتن را تکمیل کردند. پس از بررسی نتایج پرسشنامه، تعداد سی نفر از دانش‌آموزان که در طبقه هویت معوق قرار گرفتند، برای دریافت مداخله پژوهش در دو گروه آزمایش و گروه گواه (پانزده نفر در گروه آزمایش و پانزده نفر در گروه گواه) گمارده شدند. یافته‌ها به روش تحلیل کوواریانس تحلیل شد که نشان‌دهنده تأثیر مثبت معنادار مداخله تربیتی بر هویت اخلاقی نوجوانان مبتلا به هویت معوق در پس‌آزمون و پیگیری بود.

رئوف و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «نقش خانواده و مدرسه در شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران»، با هدف تعیین نقش خانواده و مدرسه در شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران، نگاشته پژوهشی را انجام داده‌اند. این پژوهش، مطالعه‌ای کیفی به روش تحلیل محتواست. نمونه‌گیری این پژوهش، هدفمند است که تا اشباع داده‌ها ادامه یافت. هجده مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با متخصصان و مطلعان در حوزه‌های روان‌شناسی، علوم تربیتی و مطالعات اسلامی انجام گرفت. داده‌ها همزمان با انجام مصاحبه‌ها و به روش تحلیل محتوای کیفی تحلیل شد. فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها منجر به استخراج سه درون‌مایه اصلی در زمینه شکل‌گیری هویت جنسیتی شد که شامل نقش خانواده، نقش مدرسه و نقش تعاملات بین مدرسه و خانه بود. بر اساس یافته‌های این مطالعه، خانواده و مدرسه از اصلی‌ترین نهادهای شکل‌دهنده هویت جنسیتی سالم هستند و برقراری تعامل مناسب بین این دو نهاد از عوامل ضروری در شکل‌گیری هویت جنسیتی سالم است؛ زیرا موجب تربیت هماهنگ دختران و نهادینه شدن رفتار می‌شود.

محمدی اصل (۱۳۹۶) در کتاب خود با عنوان «برساخت اجتماعی جنسیت» می‌کوشد تا جنسیت را از منظر نظریه برساخت‌گرایی مورد تأمل قرار دهد. جنسیت، یکی از خصائص خرده‌نظام شخصیت است که در عین پیوستگی با سایر خرده‌نظام‌ها، از آنها نیز مستقل بوده، در ضمن با آنها مبادلات کارکردی دارد. حتی اگر نقطه عزیمت تحلیل جنسیت، روابط نابرابر قدرت باشد، باز هم مولد آن یعنی سیاست، درست به قرینه شخصیت و به وساطت حزب و بوروکراسی و سازمان‌های غیر دولتی می‌ایستد و در نقاطی با سایر خرده‌نظام‌های اجتماعی به تبادل کارکردی می‌پردازد.

قادرزاده و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بازسازی معنایی تجربه زیسته

دختران از تجربه، با هدف بازسازی معنایی تجربه زیسته دختران از تجربه، کشف زمینه‌ها، پیامدها و نحوه مواجهه دختران با تجربه از طریق ادراک و معنای ذهنی دخترانی است که درگیر این فرایند شده‌اند. پژوهش با رویکرد کیفی و روش نظریه‌زمینه‌ای میان دختران مجرد شهر ایوان به انجام رسید. در نمونه هدفمند پژوهش، ۲۸ نفر از دختران مجرد مشارکت داشتند که به لحاظ بهره‌مندی از سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متفاوت بودند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که زمینه‌هایی چون تثبیت دال‌های پذیرفته‌شده، ازدواج به مثابه نهاد حمایتی، جنسیتی شدن فضای عمومی و تقدیرگرایی در تجربه زنان نقش دارد. در این میان، محدودیت‌های پذیرفته‌شده به مثابه زمینه تسهیلگر و بازنمایی وابستگی در رسانه به منزله شرایط مداخله‌گر عمل کرده‌اند. بازسازی معنایی تجربه و درک دختران مجرد از تجربه بر الزام‌های استتار، مکان‌های مذهبی به مثابه پناهگاه، سیاست حضور و روی آوردن به مشاغل زنانه، بازاندیشی و مجازی شدن روابط دلالت دارد. بر اساس مطالعه حاضر، تجربه‌ی مجرد برای دختران، خشونت روانی انزوای مضاعف، آینده‌ی مبهم و احساس سرباری و ابژه‌های حقارت را در پی داشته است. مقوله‌ی هسته‌ای نیز بر دسترس‌ناپذیر بودن موقعیت‌ها دلالت دارد.

علویان (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «انیمیشن‌ها، فضای مجازی و هویت جهانی، (مطالعه موردی: وبلاگ‌های دختران ایرانی)»، به بررسی موردی وبلاگ‌های دختران ایرانی در فضای مجازی پرداخت. از نتایج پژوهش این است که مطالعات انجام‌شده بر وبلاگ‌ها نشان می‌دهد که انیمیشن‌ها، نقشی بیش از سرگرم کردن کودکان ایفا می‌کنند. آنها سرنخ‌های مشخصی برای تعریف خود در فضای مجازی به دست کودکان می‌دهند که منجر به شکل‌گیری یک هویت جهانی می‌شود؛ به گونه‌ای که هر کدام از نویسندگان، وبلاگ خود را عضوی از یک جامعه جهانی معرفی می‌کنند و به یک نظام فرهنگی مشترک تعلق دارند که شامل الگوهای مشترک، ایده‌ها و سلايق مشترک می‌شوند. این هویت جهانی، هم مشخصه‌هایی را از هویت برنامه‌دار کاستلز و هویت شخصی که گیدنز درباره آن بحث می‌کند و هم مشخصه‌هایی را از هویت جامعه‌شناختی که حال تعریف می‌کند، دارد.

پیرو (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «پروژه خانه دختر: روایت‌های دوران دختری و ساختن یک سایت تحلیل»، مطالعات دخترانه‌ای بر اساس تئوری جنسیت بنیادی جودیت باتلر انجام داده است که جنسیت را به عنوان یک هویت ساخته شده و دختر بودن را به عنوان لحظه‌ای از تولید جنسیت درک می‌کند. بر اساس روش‌شناسی فمینیستی بیان می‌کند که گسترش چگونگی «هویت دخترانه» و تلاش برای روشن کردن تولید دخترانه به عنوان یک واحد، ریشه در بی‌عدالتی جنسیتی دارد؛ تجربه‌ای که بازتولید و نگهداری می‌شود. عملکرد جنسیت و واقعیت، بزرگ شدن پتانسیل سیاسی و اجتماعی جنسیتی را آشکار می‌کند. بی‌عدالتی به عنوان یک وجه متحدکننده هویت دختران از این پژوهش به دست آمده است.

ون ویک (۲۰۱۵) در یک مطالعه کیفی با عنوان «دختر بودن، کار سختی است: تجربه‌های دختران نوجوان در سه منطقه کم‌درآمد در جنوب»، از ساخت‌گرایی اجتماعی و نظریه فمینیستی و عینیت‌سازی برای مفهوم‌سازی و درک تجربه‌های شرکت‌کنندگان استفاده کرده است. سه موضوع کلیدی در این مطالعه شناسایی شد: درباره دختر بودن، زن شدن و روابط جنسیتی در خانه و با همسالان. یافته‌های این مطالعه بیانگر آن است که دختر شدن، فرآیندی پیچیده و پویاست و دختران اغلب در موقعیت‌های دوسویه و متناقض در سوژه‌سازی و تجسم دخترانه قرار می‌گیرند. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که تجسم دخترانه، همان‌طور که این دختران تجربه می‌کنند، با سطوح بالایی از نابرابری جنسیتی و نظارت مشخص می‌شود. بنابراین علی‌رغم تعهد به برابری جنسیتی در آفریقای جنوبی، این دختران هنوز اجتماعی شده بودند تا جایگاه خود را بدانند. سطوح شدید نظارت برای تنظیم زنانگی هنجاری و احترام این دختران مورد استفاده قرار گرفت و در نتیجه دختر «خوب» را دست‌نخورده نگه داشت.

با بررسی پژوهش‌های پیشین دیده می‌شود که نقش فرهنگ و شرایط اجتماعی بر ساخت دختران از دخترانگی مؤثر است. بررسی دخترانگی دختران دانش‌آموز در سنین پیش از ازدواج می‌تواند اهمیت زیادی داشته باشد؛ زیرا تصویری که دختران از هویت جنسیتی خود دارند، می‌تواند بر انتخاب‌های آینده آنها، سبک زندگی‌شان و حتی نوع تربیت فرزندانشان نیز مؤثر باشد. از این‌رو هدف این مقاله، بازنمایی تجربه‌های

زیسته و ادراکات دانش‌آموزان دختر در منطقه ۱۹ تهران از دخترانگی است. این منطقه با توجه به تحولات سال‌های اخیر دچار شرایط دوگانه‌ای بین سنت و مدرنیته است.

چارچوب نظری

در این بخش به بررسی نظریه‌ها برای دریافت بینش نظری پرداخته می‌شود: از دیدگاه تعامل‌گرایان نمادی، رفتار جنسی مانند همه رفتارهای انسان، نمادین است. مردان و زنان با استفاده از نمادها وارد جهانی از معانی می‌شوند که با این نمادها به وجود آمده است. اینکه ما چگونه «موجودات هستیم» تحت تأثیر یادگیری فرهنگی و معانی قرار دارد که در یک مجموعه فرهنگی به افراد منتقل شده است. در واقع در چارچوب مکتب کنش متقابل نمادین، معانی مرتبط با فعالیت‌ها و تمایلات جنسی مورد توجه قرار می‌گیرد (Longmore, 1998).

چودروف، شکل‌گیری هویت جنسیتی را از درون شناخت پویای روانی خانواده و روابط ابژه‌ای کودک با مادرش می‌داند. وی، نظریه‌های سنتی روابط ابژگانی و روایت فرویدی رشد هویت جنسیتی را بازنگری کرد. وی یکی از مهم‌ترین عوامل سلطه مردانه را این می‌داند که پرورش‌دهنده کودک برعهده مادر است؛ زیرا زنانی که مادر می‌شوند و (مردانی که مادر -پرورش‌دهنده کودک- نمی‌شوند) دخترانی به وجود می‌آورند که میل به مادر بودن دارند و پسرهایی به وجود می‌آورند که مردانگی برایشان به معنای برتری مردانه است و ظرفیت‌ها و نیازهای پرورش‌دهندگی در آنها سرکوب و محدود می‌شود. بنابراین نابرابری جنسی، امری جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه محسوب می‌شود، نه امری «طبیعی» و زیست‌شناسانه که در هر نسل بازتولید می‌شود. نتیجه اجتماعی این رویکرد، سازمان‌دهی وظایف والدین به گونه‌ای است که این وظایف میان زنان و مردان تقسیم شود (ر.ک: پین، ۱۳۹۴). همان‌طور که در این پژوهش نیز بررسی می‌شود، دختران در بستر فرهنگی خاص خود، دخترانگی و مسائل مربوط به آن را برساخت می‌کنند. شرایط خانوادگی و فرهنگی در ارتباط نزدیکی با شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران می‌تواند باشد.

در رویکرد برساختی تفسیری، ماهیت انسان، خلاق و منبع و مرجع نهایی هرگونه

ساخت‌وساز و تغییر در واقعیت‌های اجتماعی همان انسان است. واقعیت‌های اجتماعی سیالند و به مثابه امور برساخته انسانی فاقد قوانین از پیش تعیین شده بوده، دائماً در حال شدن هستند. بنابراین مسیر و روش خاصی برای درک واقعیت‌ها و یا ایجاد تغییر در آنها به سهولت ممکن نیست. واقعیت‌ها نه تنها قابل کشف و کنترل نیستند، بلکه صرفاً می‌توانند درک و تفسیر شوند. در تحقیقات کیفی، برای حاصل شدن این فهم و درک کامل‌تر زندگی اجتماعی و روزمره مردم، اهمیت بستر یا زمینه اجتماعی موضوع بسیار زیاد است. افراد در زندگی اجتماعی خود برخی قواعد زمینه‌ای (موقعیتی، اجتماعی یا فرهنگی) به کار می‌برند. داخل این بسترهاست که رخدادها و کنش‌ها معنا دارند و در صورت جدا کردن اینها از بستر فرهنگی‌شان فاقد معنا خواهد بود (فلیک، ۱۳۸۸: ۳۳۰).

این مفهوم فراتر از ابعاد مادی و کمبودهای اقتصادی بر دامنه متنوعی از محرومیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دلالت دارد (ر.ک: Flotten, 2006) و بر مسائل دیگری همچون طرد جنسیت (ر.ک: Silver, 1994)، روابط و شبکه‌های اجتماعی (ر.ک: Flotten, 2006) و مشارکت در زندگی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، بیگانگی و فاصله گرفتن از جریان اصلی جامعه (ر.ک: Fernandez, 2014) و... دلالت دارد. گیدنز معتقد است که طرد اجتماعی در مورد درجه‌بندی نابرابری نیست، بلکه در مورد مکانیزم‌هایی است که برای جداسازی گروه‌هایی از مردم از جریان اصلی جامعه تلاش می‌کنند. ایده طرد اجتماعی برای اشاره به منابع نوین نابرابری مطرح شده است (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۶: ۴۶۸).

در دیدگاه «قابلیتی» آمارتیا سن، آنچه برای وی در تحلیل برابری، آزادی و رفاه اهمیت دارد، توانمندی‌های فرد در دستیابی به عملکردهای ارزشمندی است که زندگی‌اش را شکل می‌دهد. به باور سن، فقر به عنوان محرومیت قابلیت‌ی چندبعدی است، زیرا شامل همه قابلیت‌ها و عملکردهای متمایزی می‌شود که ما برای آن ارزش قائلیم. یکی از این قابلیت‌های ارزشمند، طرد نشدن از روابط و فرصت‌های اجتماعی است. لذا طرد اجتماعی، بخشی از فقر قابلیت‌ی و مؤلفه ذاتی و اساسی ایده فقر است. بدین معنا که ناتوانی در ایجاد ارتباط با دیگران و عدم مشارکت در زندگی اجتماعی، صرف‌نظر از هر محرومیتی که غیر مستقیم می‌تواند ایجاد کند، زندگی را فقیر و تهی می‌کند. همچنین طرد می‌تواند به نحوی «ابزاری» به نتایج و محرومیت‌های ناگوار

دیگری بینجامد و بیش از پیش فرصت‌های زندگی را محدود کند؛ یعنی آنچه از آن به منزله محرومیت‌های رابطه‌ای یاد می‌شود (ر.ک: فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۹۲). از دیدگاه سن نیز یکی از عوامل طرد و کنار گذاشتن افراد در محیط‌های مختلف، جنسیت است. از این منظر می‌توان در حوزه زنان، محدودیت‌ها و آسیب‌های جنسیتی را جست‌وجو کرد و به تبیین بسیاری از مسائل پیش روی زنان پرداخت. مثلاً شرایط فرهنگی درون خانواده، از جمله «پدرسالاری» و سایر تبعیض‌های جنسیتی مانند ندادن اجازه تحصیل به دختران یا اشتغال آنها، در کسب قابلیت‌ها بسیار مؤثر است (محمودی و صمیمی‌فر، ۱۳۸۴: ۱۲). بنابراین با توجه به مرور نظری می‌توان در نظر داشت که شرایط فرهنگی و تفکرات حاکم بر اجتماع می‌تواند زندگی دختران را تحت تأثیر قرار دهد؛ زیرا محرومیت‌ها و قابلیت‌هایی که اجتماع برای دختران قائل است، بر ساخت آنها از دخترانگی و جنسیتشان را شکل می‌دهد.

روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از رویکرد کیفی روش پدیدارشناختی از نوع تفسیری انجام شد. منابع جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش حاضر، شامل دختران دانش‌آموز مشغول به تحصیل منطقه ۱۹ تهران است که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند با حداکثر گوناگونی در بین مشارکت‌کنندگان هستند.

در این پژوهش با هدف قرار دادن دخترانی از یک طبقه تلاش شد تا تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی جغرافیایی کنترل شود. حجم نمونه نیز ۱۷ نفر بودند که در مصاحبه ۱۴ به اشباع داده‌ها حاصل شد، اما برای تأیید داده‌ها تا شماره ۱۷ نیز ادامه یافت.

در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها، از مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. داده‌ها از دو طریق مصاحبه‌های آنلاین و در صورت شرایط موجود به صورت حضوری جمع‌آوری شد. معیارهای ورود مشارکت‌کنندگان به پژوهش، عبارت از دختران محصل در مقطع دبیرستان دوره دوم، مجرد و با رضایت آگاهانه و داوطلبانه برای شرکت در پژوهش و نداشتن هر یک از معیارهای ورود منجر به خروج از پژوهش

می‌شد. زمان مصاحبه با اختیار کامل مشارکت‌کنندگان تنظیم شد. با رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان، مصاحبه ضبط شد. بلافاصله پس از روی کاغذ آمدن مصاحبه، تحلیل‌ها آغاز شد.

برای تعیین روایی و پایایی یافته‌ها، از درگیری پیوسته و طولانی‌مدت، ذهنیت پیش‌رونده و واریسی شرکت‌کنندگان استفاده شد، بدین صورت که محقق، مصاحبه‌های متنی را برای شرکت‌کنندگان در فضای مجازی ارسال کرد و از آنها خواسته شد تا تعیین کنند که آیا کدهای استخراج‌شده با دیدگاه‌ها و تجربه‌های آنها سازگار است. برای سنجش پایایی داده‌های کیفی، از فرایندهای ساختمان‌داری اجرا و تفسیر مصاحبه‌های همگرا استفاده شد. همچنین چهار حوزه رازداری و بی‌نامی، نقش پژوهشگر در رازداری، توافق آگاهانه و پیامدهای احتمالی مصاحبه‌ها در راستای ملاحظات اخلاقی پژوهش رعایت شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون بر اساس مدل براون و کلارک^۱ (۲۰۰۶) بدین صورت انجام گرفت که ابتدا از متن هر مصاحبه، داده‌ها شناسایی شد. سپس کدهای اولیه استخراج شده، در گام بعد، با واریسی کدها به جست‌وجو و شناسایی قالب مضامین اقدام شد و پس از آن، کدهای مرتبط با هر مضمون در زیرمجموعه آن قرار داده شد و همخوانی مضامین با کدهای مستخرج و اصلاح و تأیید شبکه مضامین صورت گرفت. در مرحله بعد، تعریف و نام‌گذاری مضامین انجام شد و در نهایت تدوین گزارش صورت گرفت.

یافته‌های پژوهش

ابتدا در جدول شماره (۱)، اطلاعات جمعیت‌شناختی از نمونه مورد مصاحبه ارائه شده است.

جدول ۱- اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه مورد بررسی

کد	اسم	سن	تعداد اعضای خانواده	زندگی با خانواده
۱	دیانا	۱۷	۳	پدر و مادر
۲	لیلا	۱۷	۴	پدر و مادر
۳	نیلوفر	۱۸	۲	مادر
۴	بهار	۱۸	۴	مادر و پدر
۵	زهرا	۱۷	۴	مادر و پدر
۶	معصومه	۱۸	۳	مادر
۷	آیدا	۱۷	۷	مادر و پدر
۸	ریحانه	۱۸	۵	مادر و پدر
۹	ستایش	۱۷	۵	مادر و پدر
۱۰	فاطمه	۱۷	۴	مادر و پدر
۱۱	فاطمه	۱۷	۴	مادر
۱۲	آزیتا	۱۷	۵	مادر و پدر
۱۳	سمیه	۱۷	۷	مادر و پدر
۱۴	سمانه	۱۷	۴	مادر و پدر
۱۵	عسل	۱۷	۴	مادر و پدر
۱۶	مریم	۱۷	۴	مادر و پدر
۱۷	زهرا	۱۸	۴	مادر و پدر

تحلیل یافته‌ها

با بررسی مصاحبه‌ها، سه مضمون اصلی به دست آمده است که در مرحله تحلیل، ۹ مقوله فرعی و ۲۳ مفهوم به دست آمد. مضامین اصلی شامل «ویژگی‌های دخترانه»، «مسائل دخترانه» و «عاملیت دخترانه» می‌شود. همچنین مقوله‌های فرعی نیز شامل ویژگی انحصاری دخترها، تفاوت دختر و پسر، دختر خوب بودن، تبعیض جنسیتی، نگاه جنسیتی، کلیشه‌های جنسیتی، تغییر نگرش‌ها، نقش خانواده در مسائل و راهبردهای دخترانه می‌شود. در ادامه هر یک از مضامین به همراه مفاهیم و نمونه‌هایی از مصاحبه‌ها تحلیل شده است.

ویژگی‌های دخترانه

افراد با تعریفی که از خود دارند می‌توانند خود را بشناسند و با افراد دیگر ارتباط برقرار کنند. دختران مورد مصاحبه، تعریف از خود به عنوان یک دختر را در سه بخش بیان کردند. «ویژگی انحصاری دخترها»، «تفاوت دختر و پسر»، «دختر خوب بودن»، این سه بخشی است که مقوله‌های فرعی مضمون ویژگی‌های دخترانه را شامل می‌شود.

ویژگی‌های انحصاری دخترها

تعاریفی که دختران از خود ارائه کردند، نشان می‌دهد که با جنس خود و ویژگی‌های جنسی خود کاملاً آشنا هستند و مورد پذیرششان است. احساسی بودن، علاقه‌مندی به زیبایی‌ها، داشتن توانایی کنترل خانه و خانواده، داشتن پتانسیل به دنیا آوردن فرزند و از همه مهم‌تر، داشتن حس نوع‌دوستی و مهربانی از جمله مفاهیمی بود که دختران با آنها خود را معرفی کردند. این موضوع نشان می‌دهد که علی‌رغم تمام مشکلاتی که دختران در جامعه و خانواده دارند، جنس خود را دوست دارند و با ویژگی‌های فیزیولوژیکی خود مشکلی ندارند. با توجه به نظرهای چودروف که دختران را مادرانی تربیت می‌کنند که حس‌های مادرانه را به آنها منتقل می‌کنند، در نمونه مورد بررسی نیز احترام به مادران وجود دارد و با توجه به تفکرات سنتی موجود در رابطه با مفید بودن زنان برای حفظ خانواده، نگرش مثبت دختران از جنس خود قابل پذیرش است.

نمونه‌هایی از مصاحبه‌های انجام‌شده:

- کد ۷: دختر بودن، یک هدیه الهی است و مایه خوشبختی است.
- کد ۱۰: بعد از مادر خانه، مسائل خانه‌داری و وظایف خانه‌داری به عهده دختر خونه هست و باید بتونه در زمانی که مادر نیست، مدیریت یک خونه رو به عهده بگیره یا اینکه تبعیت کردن از حرف بزرگترها یا در مسائلی که نیاز داریم به مشورت، این کمک به خودمون رو از خودمون دریغ نکنیم.
- کد ۱۱: دختر بودن قشنگه، چون اگه دخترا نبودن هیچ عروسکی مادر نداشت. به نظرم دختر به معنای قوی بودن و پر از حس شادی بودن.
- کد ۱۵: دختر بودن زیباست. اینکه از وجودت بعدها فرزندتی به دنیا میاد که بدون قید و شرط به او عشق می‌ورزی.

- کد ۱۷: دختر بودن یعنی اوج ظرافت و لطافت، محبت، حس قشنگ مادر شدن. من به دختر بودن خودم افتخار می‌کنم. خیلی حس قشنگی است و دختر بودن باعث افتخار است.
- کد ۸: افتخار می‌کنم که دختر هستم. دختر ویژگی‌های همدردی و همدلی و مهربانی و صبوری بیشتری دارد و من دوست دارم یک زن قوی باشم. من این حرف را که زن ضعیف است قبول ندارم و مطمئن هستم دخترها هم به‌اندازه خودشان قوی هستند.
- کد ۱۰: تا به حال چند باری این حرف رو با خودم زدم، ولی بعد از گفتن این حرف کاملاً پشیمون شدم؛ چون این همه پسر تو دنیا وجود داره، چرا وقتی خدا خواسته من دختر باشم یا سرنوشتی رو برای من رقم زده با فکر نادرستم خرابش کنم. شاید تو سرنوشتی که خداوند در دختر بودن من رقم زده، در پسر بودنم رقم نمی‌زد. من همیشه با دید مثبت به خودم و خلقیاتم و اطرافیانم نگاه می‌کنم.

تفاوت دختر و پسر

در تعریفی که دخترها دارند، اشاره به تفاوت‌هایی است که با پسران دارند و خانواده و جامعه به ایشان تحمیل کرده است. اینکه نوع رفتار خانواده و جامعه در برخی موارد برجسب دختر بودن و پسر بودن شده است. در واقع برخی ویژگی‌ها، برساختی است که از دخترانه و پسرانه بودن فعالیت‌ها وجود دارد. از جمله مفاهیمی که این مقوله را می‌سازد، ضعیف‌تر دانستن دختران نسبت به پسران است. انحصاری کردن برخی فعالیت‌ها به پسرها و ضعیف دانستن دخترها، مواردی است که دختران در تعریف از خود از جامعه دریافت کرده‌اند. در رویکرد قابلیت‌آماری سن بیان شد که میزان دسترسی‌ای که افراد به منابع دارند باعث می‌شود در موقعیت‌های نابرابر قرار گیرند و این موضوع در تحلیل دختران از ویژگی‌هایی که جنسیت بر آنها تحمیل کرده، دیده می‌شود. دختران، دسترسی نداشتن به برخی منابع را نشأت‌گرفته از دیدگاه جنسیتی جامعه می‌دانند.

نمونه‌هایی از مصاحبه‌های انجام‌شده:

- کد ۹: همش میگن تو دختری نباید این کار رو انجام بدی؛ نباید اینجا بریم؛ نباید این رو بپوشی؛ نباید این حرف رو بزنی. چون دختر هستم، نباید بلند

- بخندم؛ نباید تنها بیرون برم؛ نباید لباس رنگی بپوشم. من همیشه سعی کردم طبق رسوم خانواده رفتار کنم و دختر خوبی باشم.
- کد ۱۴: درست است دختر بودن محدودیت‌هایی دارد، اما بعضی محدودیت‌ها به صلاح خود دختر است؛ چون خانواده‌ها، حرف‌هایی به گوششان می‌خورد که می‌ترسند. پس ما باید خودمان مراقب خود باشیم که کسی نتواند وارد حریم شخصی ما شود و سوءاستفاده کند. خانواده من از دختر بودن من راضی هستند. چون درک بالایی دارم، هر کس را در موقعیت خود درک می‌کنم. مادرم می‌گوید چه خوب که تو دختر هستی. اگر نبودی، بعد غم پدرت چه می‌کردم. پس خدایم را شکر می‌کنم که هیچ‌وقت هیچ اعتراضی در رابطه با دختر بودن من نشده.
- کد ۱۵: به نظر من بهتر اینه که به همه انسان‌ها فارغ از جنسیت نگاه بشه. عدم توانایی انجام یک کار برای فرد رو بر پایه زن یا مرد بودن اون شخص قرار ندیم.

دختر خوب بودن

دختران از کودکی با مفهوم دختر خوب بزرگ شده‌اند. گویی تمام فعالیت‌های آنها در محور این مفهوم شکل می‌گیرد و باید خود را با این مفهوم تعریف کنند. دختر خوب، دختری است که به اصول و عرف اجتماع پایبند باشد. در واقع این گفتمانی است که از بچگی در ناخودآگاه دختران وجود دارد. دختری که حرف گوش کند، باوقار باشد و حتی در جاهایی از حق خودش نیز بگذرد و هیچ اعتراضی نکند. در واقع این تعاریف به دختران، مقلوب بودن را القا می‌کند. بار دختر خوب بودن باعث می‌شود برای دختران مانعی باشد که گذشتن از آن به خوردن برچسب دختر بد منتهی می‌شود. در واقع ترس از طرد شدن از جامعه و محرومیت باعث می‌شود که رفتار خاص با توجه به جنسیت خود را نمایش دهد.

نمونه‌هایی از مصاحبه‌های انجام‌شده:

- کد ۲: دختر بودن، حق انتخاب پوشش، نوع صحبت کردن، نوع ارتباط برقرار کردن با دیگران و سبک زندگی کردن رو محدود می‌کنه. انگار که این دختر بودن، فیلتری باشه که خودبه‌خود زندگی رو از من می‌گیره.

- کد ۳: اینکه دیدگاهی توی جامعه هست که دختر خوب، دختری هستش که به حرف خانواده گوش بده و اگه بهش بگن ماست سیاه هستش، قبول کنه.
- کد ۶: دختر باید متین و باوقار باشه و این محدودیت نیست؛ بلکه ارزش و احترام به دخترهاست و این به معنای قوی بودن دختر هست، نه ضعیف بودن. دختر نباید شب‌ها دیر به خونه بیاد و یا آرایش غلیظ داشته باشه یا حجاب نداشته باشه. ویژگی‌های یه دختر خوب اینه که متین باشه، باوقار باشه و حدود خانواده و جامعه رو رعایت کنه.
- کد ۹: من به عنوان دختر دوست دارم مستقل و شاد باشم. هر طور دوست دارم بگردم، بخندم، نترسم از نگاه و عقاید مردم، نترسم از اینکه منو به عنوان یه ابزار جنسی ببینن.
- کد ۱۳: دختر بودن از نظر من تا وقتی خوبه که با کمبود روبه‌رو نشه و آرزوی پسر بودن کنه. نه بگم کمبود نداشته باشه‌ها، ولی مثلاً حسرت یه لباس خریدن تو دلش نمونه در این حد.

جدول ۲- مقوله‌ها و مفاهیم مرتبط با مضمون ویژگی‌های دخترانگی

مضمون	مقوله اصلی	مفاهیم
ویژگی‌های دخترانه	ویژگی انحصاری دخترها	داشتن نگاه زیبایی‌شناسانه
		پتانسیل مولد بودن توانایی و مسئولیت‌مادرانه
	تفاوت دختر و پسر	دختر ضعیف‌تر از پسرهاست توقعات خانواده و جامعه از دخترها نیاز به مراقبت همیشگی
	دختر خوب بودن	رعایت اصول و عرف جامعه حفظ کردن از آسیب‌ها

مسائل دخترانه

طی مصاحبه‌هایی که انجام شد، دختران مسائلی را مطرح کردند که این مسائل شامل «تبعیض جنسیتی»، «نگاه جنسیتی» و «کلیشه‌های جنسیتی» است.

تبعیض جنسیتی

تبعیض جنسیتی از مهم‌ترین مسائلی است که دختران در لابه‌لای مصاحبه خود بارها و بارها تکرار کردند. این تبعیض از کودکی به دختران تحمیل شده و به آن اشاره کرده‌اند. این تبعیض‌ها با مفاهیمی چون محدودیت در روابط، موقعیت‌ها و انتخاب‌ها، خود را نشان می‌دهد. دخترها اشاره داشتند که درباره رفت‌وآمدهایشان نسبت به پسرها همیشه شاهد تبعیض بوده‌اند. موانعی از طرف خانواده و جامعه برای دخترها وجود داشته که همین موانع باعث می‌شود دخترها نتوانند کارهای مورد علاقه خود را انجام دهند. یا پسرها بدون محدودیت می‌توانند روابط مختلف را تجربه کنند، اما محدودیت‌ها گویی فقط برای دخترها وجود دارد. انتخاب شغل، نوع روابط، ساعت رفت‌وآمد، همگی تحت تأثیر دختر بودن قرار گرفته است. در واقع در بستر اجتماعی و فرهنگی پدرسالارانه، این واقعیت پررنگ‌تر است که منجر شده برخی از موقعیت‌ها برای دختران محدودتر شود. در واقع تعریف دختران از دخترانگی، خود همراه با مسائلی است که تبعیض از جمله آن است.

نمونه‌هایی از مصاحبه‌های انجام‌شده:

- کد ۲: وقتی که سنم پایین‌تر بود، خودم رو کنار پسرای می‌دیدم که از ما حتی شاید بزرگ‌تر هم بودن و به راحتی کودکانه‌تر رفتار می‌کردن. دروغ چرا حسرت شادی کردنشون هنوزم به دلمه.
- کد ۳: دختر بودن توی کشور ما یه کوچولو موانعی داره که گاهی اوقات یا از طرف جامعه یا خانواده و خودم احساس می‌کنم که خانواده‌ها بیشتر روی یه موضوعاتی حساس هستند که برای دخترها بیشتر سخت‌گیری می‌کنند ولی همون موضوع برای پسر مشکلی نداره از دیدگاه اون خانواده.
- کد ۴: در کشور ما که این تبعیض برمی‌گرده به جامعه، فرهنگ و خانواده و عقایدی مثل اینکه مرد جنسی قوی و زن ضعیفه و بر این اساس جایگاه مرد بالاتر از جایگاه زن است. در نتیجه قدرت مرد بیشتر پذیرفته می‌شود.
- کد ۴: مهم‌ترین مشکلی که دختر بودن برای من به وجود آورده، عدم آزادی در رفت و آمد و انتخاب‌هاست. عدم آزادی در بیرون رفتن از خانه یا پارک رفتن یا به تنهایی مسافرت رفتن و همچنین عدم آزادی روابط با جنس مخالف و اینکه

- امکان کار کردن خیلی از جاها برای دختر وجود ندارد.
- کد ۱۷: اینکه دختر نمی‌تواند توی هر ساعتی بیرون از خانه باشد. شب نمی‌تواند بیرون باشد. دختر هر رفتار اشتباهی که داشته باشد، قطعاً یک اتفاقی افتاده تمام نظرها درباره دختر عوض می‌شود. مسئله بعدی روابط است. خیلی از روابط هستند که ۹۹ درصد ایران برای پسرها روابط را عادی می‌دانند و خیلی هم افتخار می‌کنند.
 - کد ۷: دختر بودن باید بدون محدودیت باشه و حقوق برابر با دیگر انسان‌ها داشته باشه. دختر بودن متأسفانه در جامعه ما و خانواده‌ها باعث محدودیت‌هایی شده. مثل اینکه نباید تنها از خونه بیرون رفت. رفت و آمد با دوستان و خونه همدیگه ممنوع و من متأسفانه اینجوری اذیت می‌شم.
 - کد ۹: دختر هم مثل همه یک انسان است و باید از حق و حقوق آزادی برخوردار باشد. اما متأسفانه در کشور ما و خانواده و فرهنگ ما، محدودیت‌های زیادی در رفت و آمد و پوشش و انتخاب وجود دارد و تبعیض زیاد بین دختر و پسر وجود دارد. دختر بودن به خاطر محدودیت‌هایی که خانواده قرار می‌دهند، همیشه باعث مشکل در ارتباط با پدر و مادرم شده است.
 - کد ۱۶: دخالت‌ها در انتخاب دوست، شغل و رفت و آمد بسیار زیاد است. و گاهی خانواده‌ها ارزش برای دختر خود قائل نمی‌شوند و کم‌کم استقلال دخترا از بین می‌رود.

نگاه جنسیتی

حس نگاه جنسیتی از مقوله‌هایی است که در بازتعریف دخترانگی دخترها وجود دارد. این نوع نگاه را دختران در طول زندگی خود تجربه کرده‌اند و آن را بخشی از تعریف خود به عنوان دختر می‌دانند. نگاه‌هایی که دختر و زن را ابزار جنسی می‌داند، مفهومی است که در مصاحبه‌ها به آن اشاره شد. اینکه در مکان‌های مختلف و با هر نوع پوششی مورد آزارهای جنسی قرار گرفته‌اند، قرار گرفتن در موقعیت‌های آسیب‌زا صرفاً به دلیل دختر بودن و تحت تأثیر قرار گرفتن تمام فعالیت‌ها از جمله رفت‌وآمد، انتخاب شغل، ساعت تردد و... مسئله‌ای است که دخترها به عنوان مسئله دخترانه مطرح می‌کنند. در رویکرد برساختی، نگاه و تفکر افراد در بستر اجتماعی و فرهنگی شکل

می‌گیرد و رشد می‌یابد. در واقع از پیش تعیین شده نیست و در حال شدن است. بنابراین با تغییرات فرهنگی، نگاه‌های جنسیتی به دختران که منجر به آزار جنسی می‌شود نیز کمتر یا کنترل می‌شود. نمونه‌هایی از مصاحبه‌های انجام شده:

- کد ۲: دوست دارم آزادی انتخاب داشته باشم، دوست دارم برای هیچ انسانی مهم نباشم که ظاهر خودم یا حتی دیگران چطوریه، دوست دارم قوی‌تر باشم، دوست دارم بیشتر دووم بیارم و سرپا بمونم اما واقعا سخته.
- کد ۱۲: وقتی از مدرسه تعطیل میشیم، با هزار و یک موتور برخورد می‌کنم که می‌شن. با اینکه با چادر یا مانتو میری بیرون، جوری بهت نگاه می‌کنند انگار روح دیدن.
- کد ۷: من هم انسان هستم و حق آزادی و انتخاب دارم. متأسفانه گوشیم توسط خانواده چک میشه و به تیپ و قیافه گیر میدن و من اذیت می‌شم و هر شب گریه می‌کنم و با خانواده بحث می‌کنم، اما سودی ندارد. حقوق زن در ایران خیلی پایین است.
- کد ۱۰: وقتی به دختر میاد و انتخاب رشته می‌کنه و دیپلم می‌گیره، تنها دغدغه‌اش اینه که باید چه شغلی رو انتخاب کنه تا توی اون شغل، موقعیتش در خطر نباشه و ازش سوءاستفاده نشه و به نظر من جامعه و اطرافیان باید موقعیتی را برای یک دختر در جامعه فراهم کنند تا اون دختر از لحاظ موقعیت مکانی، تحصیلی و خیلی چیزای دیگه احساس امنیت داشته باشه.
- کد ۱۱: دختر بودن، خُب محدودیتایی برای همه ایجاد کرده، اونم تو جامعه ما که هر قدمی بخوان بردارن، میگن نه تو دختری. خُب به خاطر دختر بودن هر جا که میریم، مجبوریم مزاحمتا رو تحمل کنیم. ولی به نظرم به دختر قوی و موفق باشی و دست‌نیافتنی باشی، یک هیچ از اکثر دخترا جلوتری.
- کد ۱۵: شغل پیدا کردن برای خانم‌ها که فکر می‌کنم خیلی سخت هست. اکثر کارفرماها، زیبایی را معیار قرار می‌دهند. اونها به جای در نظر گرفتن ویژگی‌ها توانایی ما ظاهرمون رو بررسی می‌کنند که آزاردهنده بود.
- کد ۱: خیلی از مسائل مثلاً بعضی اوقات میشه گفت ضعف تو جامعه اینکه به

عنوان یه شی بی ارزش شاید ببینت.

- کد ۱۶: من به عنوان دختر دوست دارم مستقل و شاد باشم. هرطور دوست دارم بگردم، بخندم. نترسم از نگاه و عقاید مردم که من رو به عنوان ابزار جنسی ببینن.

کلیشه‌های جنسیتی

کلیشه جنسیتی به معنای کلیشه یا تفکر قالبی به ذهنیت از پیش تشکیل شده در افکار جمعی گروه‌هایی از جامعه اشاره دارد که ویژگی‌های خاصی را به تمام اعضای یک گروه دیگر نسبت می‌دهد و مانع قضاوت و شناخت منطقی افراد نسبت به دیگران می‌شود. در مصاحبه‌های انجام شده، وجود کلیشه‌های جنسیتی از نظر دخترها، مسئله‌ای است که همراه دخترها هست. این کلیشه‌ها باعث شده دخترها همیشه محکوم به برآورده ساختن توقعات دیگران باشند و از بسیاری از امتیازها که برای پسرها در نظر گرفته می‌شود، محروم بمانند.

نمونه‌هایی از مصاحبه‌های انجام شده:

- کد ۲: از دیدگاه من دختر بودن نه تنها یک جنسیت، بلکه یه شغل و مسئولیت اجتماعی به حساب میاد. برای مثال دختر بودن من خیلی جاها موقعیت اینکس به‌خوام برای کار کردن توی بعضی از جاها اقدام کنم رو ازم گرفت؛ چون نظر خانوادم برام مهمه همیشه و اونا هم معتقد بودن که یک سری جاها محیط ناامن محسوب میشن.
- کد ۳: ای که چون تو دختری باید قبل تاریکی خونه باشی؛ دیگران راجب ما چی میگن، این موضوعی هستش که به خاطر دختر بودن برای ما ایجاد میشه.
- کد ۱۴: دختر بودن ما در جامعه یعنی احترام نگذاشتن به شخصیت یک دختر. وقتی ما در این جامعه امنیت نداریم، چه برسه از رفتارهای کودکان چه انتظاری می‌رود. من وقتی هر روز از دهن دخترانی که درد و رنج دارند می‌شنوم، می‌گویم چرا باید جامعه ما آنقدر ضعیف باشد.
- کد ۴: دختر بودن باعث شده که توی خانواده خیلی تحت کنترل باشم چون مادرم همیشه استرس داره که بیرون از خونه آسیبی نبینم.
- کد ۱۳: اینکه جامعه دختر رو یه آدم ضعیف میدونه و تفاوت قائل میشه بین

دختر و پسر، در صورتی که شیر زنانی هستند که ده تا پسر دومتری رو حساب نمیکنن.

- کد ۱۶: خواسته‌های دخترا برایشون می‌میره و نمی‌تونن به خواسته‌هاشون برسن. یا در مورد رابطه‌ها، پسرها خیلی راحت‌تر بیان می‌کنن و اینکه دخترها نمی‌تونن به خانواده بگن و حمایت نمیشن باعث می‌شه از طرف مقابل ضربه بخوره.

جدول ۳- مقوله‌ها و مفاهیم مرتبط با مضمون مسائل دخترانگی

مضمون	مقوله اصلی	مفاهیم
مسائل دخترانه	تبعیض جنسیتی	محدودیت در موقعیت‌ها محدودیت در روابط محدودیت در انتخاب‌ها
	نگاه جنسیتی	نگاه ابزاری و جنسی جنس دوم دیدن دختران
	کلیشه‌های جنسیتی	نگرش‌های عرفی امتیازات بیشتر برای پسران

عاملیت دخترانه

مضمون اصلی عاملیت دخترانه با مقوله‌هایی مانند «تغییر نگرش‌ها»، «نقش خانواده در مسائل» و «راهبردهای دخترانه» ساخته شده است.

تغییر نگرش‌ها

دخترها برای بازتعریف دخترانگی خود، عاملیتی را برای خود نظر گرفته‌اند که تغییر نگرش‌ها نسبت به دختران برای تحقق آن مهم است. در واقع لازم است نگرش‌های جنسیت‌زده در جامعه تغییر کند و این تقسیم‌بندی دخترانه و پسرانه بودن تغییر کند. نگرش به افراد بر اساس توانمندی‌ها از جمله مواردی است که دخترها برای تحقق عاملیت اصلی خود نیاز دارند. فرهنگ‌سازی، مفهومی است که برای تحقق تغییر نگرش‌ها بسیار کارآمد است. آگاهی یافتن دخترها از حق و حقوق خود و حذف نگرش‌های زن‌ستیزانه در بازتعریف دختران از دخترانگی می‌تواند مؤثر باشد. در واقع بنا

به نظر گیدنز، مکانیزم‌هایی که برای جداسازی گروه‌های مردم از جریان اصلی جامعه تلاش می‌کنند، در تفکر و نگرش افراد وجود دارد. با تغییر در نگرش افراد، جداسازی دختران و پسران از یکدیگر می‌تواند نابرابری‌ها را کم کند.
نمونه‌هایی از مصاحبه‌های انجام‌شده:

- کد ۱۱: اینکه تو جامعه بین خانوم‌ها و آقایون برابری ایجاد بشه، اینکه بعضی افراد تو هر صنف و جایگاهی ممکنه وجود داشته باشن که خانوم‌ها رو ضعیف بدونن که به درد هیچ‌کاری نمی‌خورن، همین که یه خانم حق نداره قاضی بشه، بیانگر خیلی چیزاست.
- کد ۱: باور غلط ریشه‌کن بشه و از بین بره و به نظرم اینکه با همه این شرایط موفق بشی تا ثابت بشه زن‌ها آغازکننده همه چی هستند.
- کد ۹: دوست دارم که بتونم با دوستانم رفت و آمد داشته باشم و خودم انتخاب کنم چه لباسی را بپوشم. دختر بودن مثل یک زندانی بودن است. تا حالا خیلی شده که آرزو کردم کاش دختر نبودم. کاش پسر بودم تا این همه محدودیت برایم وجود نداشت.
- کد ۱۵: زنان و دختران باید نسبت به حق و حقوق خود آگاهی داشته باشند تا بتونن از حق خودشون دفاع کنن. باید فرهنگ‌سازی بشه که مردم متوجه بشن که اجازه فرزندشون دست اون‌ها نیست و خودشون برای خودشون باید تصمیم بگیرند.
- کد ۱۰: باید یک سندیکایی به وجود بیاد که از جامعه دختران و زنان حمایت کنه و راه ورود بیشتر به جامعه و دسترسی کامل دختران و زنان و بهره‌برداری امکانات موجود که در ایران وجود داره و کمتر دختران جامعه از اون استفاده می‌کنن، فراهم بشه.
- کد ۱۶: باید نگاه و عقاید زن‌ستیزانه رو از بین ببریم. به دخترا آزادی بیشتری بدیم و بتونن برای زندگی‌شون تیپ و ظاهرشون و روابطشون تصمیم بگیرن.
- کد ۱۷: به نظر من جامعه از همه مهم‌تر است. اگر واقعاً جامعه این موقعیت دختر و پسر را با هم برابر می‌کرد، قطعاً دیگه ما همچین مشکلی نداشتیم که امروزه این اعتراضات پیش بیاد از نظر اینکه ما جایی می‌رفتیم و مردم با ما

مانند یک مرد با ما صحبت می‌کردند چون شما زن هستید همیشه این کار را انجام دهید.

- کد ۱۳: برای برابری با پسر بهتره که دخترا رو هم بسنجن. تا به جای دخترا نبودن، قضاوت نکنن. ما دختری کرد داریم، لر داریم، لک داریم که وجودشون افتخار ایرانه.

نقش خانواده در مسائل

اولین جایی که افراد جامعه‌پذیر می‌شوند، خانواده است. در واقع درون خانواده است که افراد نقش‌پذیری و جامعه‌پذیری خود را دارند. دخترها اشاره کردند که حس ضعیف‌تر بودن یا حس عزتمند بودن را از کودکی از خانواده‌های خود دریافت کردند و با همان حس وارد جامعه شدند. سبک تربیتی خانواده و نوع جامعه‌پذیری دختران بر نوع تعریفی که از دخترانگی خود دارند، تأثیر دارد. بنابراین اگر خانواده‌ها از کودکی حس عزتمندی و اعتماد به نفس را درون دختران پایه‌ریزی کنند، حتماً تعریف دختران از دخترانگی‌هایشان بهتر خواهد بود. در واقع باور ضعیف بودن و نداشتن توانایی مقابله با مسائل از کودکی در ضمیر ناخودآگاه دختران نقش می‌بندد.

نمونه‌هایی از مصاحبه‌های انجام‌شده:

- کد ۱: تو خانواده خیلی خوب بوده شاید بعضی اوقات نادیده گرفته بشن حرفات، چون عقل مرد بیشتر میرسه اولین جایی که زن بودن و مبارزه با این موقعیت یادم داده، خانواده بوده. باید سختکوش و زیرک و شاید یکم سیاست تو کارا داشته باشیم.

- کد ۷: آرزو کردم کاش دختر نبودم. یک دختر باید آزادی در بیان و پوشش و رفتار و رفت و آمد با دوستان داشته باشد. دوست دارم عقلانی و منطقی باشم اما احساساتی نباشم. اما متأسفانه مهربان و دلسوز هستم.

- کد ۲: خانوادم یک لیست بلندبالا کار ممنوعه برای من دارن و من بین این همه کار ممنوعه موندم اونوی که میخوام باشم رو چطور دریابم. خانوادم با جمله «تو دختری، جامعه خطرناکه» نمیذارن من ریسکی رو بپذیرم.

- کد ۳: من میگم که دختر یا پسر بودن ویژگی خاصی نداره که ما به دخترها بگیریم که باید همه مثل هم باشن و هرکس با آدم دیگه فرق می‌کنه. ولی گاهی

اوقات شده خانواده بهم گفتن لطافت دخترانه داشته باش یا این ورزش مردانه است که من قبول ندارم.

- کد ۷: پدرم تعیین می‌کند من چه چیزی بپوشم و کجا باید بروم. کاش پسر بودم و مستقل و آزاد تا این همه محدودیت نداشتم و خانواده مرا اذیت نمی‌کردند. به نظر من باید این تبعیض‌ها بین دختر و پسر از بین برود و دخترها بتوانند در خانواده و جامعه به حقوق برابر دست پیدا کنند.

- کد ۲: شاید سبک تربیت خانواده یا اینکه جامعه شروع کنه انقدر مردها رو توی خودش بولد نکنه و زنان موفق و پرتلاشم به چشم بکشه. راهکار ندارم من فقط آرزومندم.

- کد ۱۰: در خانواده ما خیلی به من احترام گذاشته میشه و در هر مسئله‌ای خانواده منو در جریان قرار میدن و نظر من رو هم می‌پرسن... البته باید توی هر خانواده‌ای، روابطها به همین صورت باشه تا اون دختر احساس بودن و ارزشمندی کنه.

راهبردهای دخترانه

دخترها برای ارائه تعریف مناسبی از دخترانگی خود با توجه به مسائل و تعاریفی که از گذشته وجود داشته، راهبردهایی را در نظر گرفته‌اند. این راهبردها بیشتر مبارزه‌ای انفرادی از جانب دخترهاست. آنها تلاش کرده‌اند تا با خودسازی و تقویت اعتماد به نفس خود، تعریف مناسبی را از یک دختر وارد جامعه کنند. بالا بردن توانمندی از جمله راهبردهایی است که دختران برای خود در نظر دارند. دختران بیان می‌کنند که اگر بتوانند خود را ارتقا دهند و توانمند کنند، با این کار، بازتعریف مناسبی از دختر در جامعه ایجاد می‌کنند. دخترها اگر نادیده گرفته می‌شوند، در عوض می‌توانند با نشان دادن توانایی‌های خود، نگاه جامعه را نسبت به خود تغییر دهند. گاهی نیز داشتن آرزوهای بزرگ نیز می‌تواند زمینه‌ساز تلاش بیشتر باشد. دخترها با داشتن باور به توانایی خود و اعتقاد به یافتن آینده بهتر، امید دارند که بتوانند شرایط را بهتر کنند. در واقع باور به نداشتن قابلیت و توانمندی لازم باعث می‌شود توانایی‌ها کمتر شوند و در نهایت سطح توانمندی افراد محدود شود. شرایط درون خانوادگی و فرهنگی با باور به

توانمند بودن دختران و تقویت اعتماد به نفس آنها، رابطه تنگاتنگ دارد.

نمونه‌هایی از مصاحبه‌های انجام‌شده:

- کد ۴: به عنوان یک دختر دوست دارم اعتماد به نفس زیادی داشته باشم، غرور داشته باشم، خودباوری داشته باشم، قدرت نه گفتن رو داشته باشم. من همینم که هستم رو دوست دارم.
- کد ۱۰: به عنوان یک دختر باید ویژگی‌هایی داشته باشم تا بتونم محکم و با اراده بودن خودم رو ثابت کنم تا هر کسی هر چیزی دلش خواست بهم ننگه (اصلاً جرأت گفتنش رو پیدا نکنه). باید ثابت کنم که در جامعه که زندگی می‌کنم، فردی مثرتر هستم و باید با تمام وجود در مسئله تحصیل، کار و زندگی، موفقیت رو سرلوحه کارم قرار بدهم.
- کد ۱۲: به نظرم دخترا باید بلد باشن خودشون رو در هر موقعیت نجات بدن.
- کد ۱۳: در خانواده من خیلی به دختر بودنم افتخار می‌کنن، چون یه دختر خودساخته‌ام و همیشه قوی‌ام. من به عنوان دختر دوس دارم یه ویژگی‌ای داشته باشم که به همه عالم و آدم بفهمونم ما از پسرا خیلی قوی‌تریم.
- کد ۱۴: اهدافی دارم که وقتی به چیزی که خواستم برسم، یه روزی کسی شدم برای خودم، به فرزندان بی‌بضاعت کمک کنم. در کنار درس دوست دارم یه مهارت ورزشی را داشته باشم.
- کد ۸: به نظر من یک دختر باید اول غرور و دوم اعتماد به نفس داشته باشد تا بتواند به جایگاه بهتری در اجتماع برسد. من چون اعتماد به نفس پایینی دارم، متأسفانه گوشه‌گیر شدم.
- کد ۴: به نظر من یک زن میتونه به خودش و توانایی‌هاش اعتماد داشته باشه و تلاش کنه به جایگاه بهتری در جامعه برسه و روی پای خودش بایسته.
- کد ۵: کاش برای دخترها هم سربازی بود. دوست دارم درس بخونم و پیشرفت کنم و به اون بالا بالاها برسم، حتی تا ریاست‌جمهوری. به خاطر محدودیت‌هایی که برای دختر هست، پیش اومده که بگم کاش دختر نبودم. اما ای کاش روزی بیاد که زن و مرد از حقوق مساوی برخوردار باشند.

کد ۱۲: اگر با مسائلی روبه‌رو میشویم، عاقلانه تصمیم بگیریم. خودمون رو دوست داشت باشیم. درک و احساسات داشته باشیم. نترس باشیم. خودمون دوست داریم. درک و احساسات هم داریم. از بعضی چیزها نمی‌ترسم، ولی همیشه دوست داریم عاقلانه تصمیم بگیرم.

جدول ۴- مقوله‌ها و مفاهیم مرتبط با مضمون عاملیت دخترانگی

مضمون	مقوله اصلی	مفاهیم
عاملیت دخترانگی	تغییر نگرش‌ها	مردانه و زنانه نبودن فعالیت‌ها فرهنگ‌سازی
	نقش خانواده در مسائل	فراگیری تفاوت‌ها در خانواده سبک تربیتی خانواده‌ها
	راهبردهای دخترانه	تقویت اعتماد به نفس بالا بردن توانمندی‌ها داشتن آرزوهای رهایی‌بخش باور داشتن خود

نتیجه‌گیری

ادراک و تجربه از جنسیت، بر اعمال و کنش‌های اجتماعی و روزمره افراد اثر می‌گذارد. این مقاله به بررسی تجربه‌های زیسته دانش‌آموزان دختر از دخترانگی پرداخته است. هدف از این مطالعه کیفی، کاوش با گروهی از دختران دانش‌آموز در یکی از مناطق جنوب تهران بوده است. در واقع هدف از پژوهش، دریافت این مسئله است که تعریف دختران از دختر بودن چگونه است و چگونه برای مسائل و موقعیت‌های خود به عنوان دختر راهبرد دارند.

در این مطالعه مشخص شد که شرکت‌کنندگان در بافت‌های سنتی قرار دارند که در آن هنجارهای مردسالارانه بر روابط جنسیتی حاکم است، دسترسی به منابع را تعیین می‌کند و به دختران اطلاع می‌دهد. دوران دختری برای این شرکت‌کنندگان، پیچیده و پویا و پر بار بود. شرکت‌کنندگان در صحبت‌های خود درباره دختر بودن، از مفاهیم اساسی دخترانگی و ویژگی‌های دخترانه استفاده کردند. هرچند آنها از دختر بودن

خوشحال بودند و خود را از برتر می دانستند و خود را دارای توانایی مادر شدن و مولد و ادامه دهنده زندگی بشر می دانستند، به آزادی و اختیار پسران غبطه می خوردند. یافته‌ها همچنین نشان می دهد که شرکت کنندگان معتقدند که کلیشه‌های جنسیتی و فرهنگ جنسیت زده است که مانع بزرگی بر سر راهشان است. دختران اعتقاد دارند که شیوه جامعه پذیری آنها در خانواده است که به آنها القا می کند جنس دوم هستند و یا توانایی انجام کاری را ندارند. ذهنیت دختر خوب بودن و طبق اصول و قاعده جامعه و خانواده عمل کردن همیشه همراه دختران است و در بسیاری از مسائل، مانعی بر سر راه خلاقیت آنها بوده است. اینکه اگر کاری خلاف انتظار و عرف جامعه انجام شود، برچسب دختر بد می خوردند و محدودیت‌هایشان بیشتر می شود، باعث شده از انجام کارهایی یا بعضی جاها حتی از حق خود نیز بگذرند. شرکت کنندگان در این مطالعه همچنین آرزو داشتند که دختران / زنان خوبی باشند.

همان طور که آمارتیا سن نیز بیان می کند، جنسیت می تواند یکی از عوامل طرد و محرومیت افراد باشد (ر.ک: فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۹۲). در ساخت آنها از دختر خوب، نوع پوشش، ساعات رفت و آمد، نوع حرف زدن، داشتن روابط با جنس مخالف همگی تحت سلطه خانواده و جامعه و باورهای غالب قرار دارد. والدین از سنین پایین به دختران یاد می دهند که «خانم» باشند و چگونه بدن خود را نظم دهند تا از آسیب پذیری‌های اجتماعی و جنسی محافظت شوند. در نتیجه دختران، هوشیاری به خرج می دهند تا از مرزهای دختر «خوب» تجاوز نکنند. این مورد با نظریه‌های چودروف مبنی بر اینکه شکل گیری هویت جنسیتی از درون شناخت پویای روانی خانواده و روابط ایژه‌ای کودک با مادرش شکل می گیرد، قابل تبیین و تحلیل است (ر.ک: پین، ۱۳۹۴).

شرکت کنندگان همچنین یک گفتمان آزادی پسران را همواره همراه خود دارند که اگر پسر بودند، آزادتر عمل می کردند. دیدگاه «تو دختر هستی» باعث شده که در بسیاری از جایگاه‌ها، تبعیض را حس کنند. همان طور که سیلور (۱۹۹۴) نیز بیان می کند، محرومیت‌های جنسیتی گاه با خود، طرد جنسیتی را نیز به همراه دارد. از طرفی نگاه جنسیتی به دختران و زنان باعث شده که دختران همیشه خود را در خطر خشونت از جانب مردان بدانند. خشونت از نظر دختران صرفاً از نوع فیزیکی نیست.

خشونت‌های کلامی که مردان و پسرها بدون توجه به موقعیت‌ها نسبت به دختران از خود بروز می‌دهند و باعث ناراحتی و آزرده‌خاطر شدن آنها می‌شوند. نگاه کالایی و ابزاری برای رفع نیازهای مردانه انگاشتن دختران، از جمله مواردی بود که تأکید زیادی داشتند و دلیل آن را وجود نگاه نابرابر نسبت به دختران و زنان می‌دانستند. همین نگاه‌ها باعث شده که دختران از جانب خانواده کنترل بیشتری شوند و همین کنترل، حس ضعیف‌تر بودن را در دختران تقویت کند.

همان‌طور که شیبا و همکاران (۲۰۱۴) نیز نشان دادند، فرآیند اجتماعی شدن دختران است که بر شرایط زندگی اجتماعی آنها تأثیر می‌گذارد که با نتایج پژوهش حاضر نیز همسو است. یعقوبی (۱۳۹۳) نیز بیان کرد که جنسیت، نوعی برساخت اجتماعی است که جامعه به فرد تحمیل می‌کند. دختران مورد بررسی اشاره داشتند که محدودیت‌های تحمیل‌شده به آنها نشأت گرفته از باورهای فرهنگی جامعه است و قابل بازنگری است. پیرو (۲۰۲۰) نیز بیان کرده است که جنسیت و هویت دخترانه تولید و به فرد تحمیل می‌شود. ون ویک (۲۰۱۵) نیز بیان کرده است که هویت و جنسیت دخترانه است که با خود محدودیت‌هایی را همراه دارد. در این پژوهش نیز به این محدودیت‌های تحمیل‌شده اشاره شده است.

دختران مورد پژوهش با توجه به اظهارات خود بنا به توان و موقعیت خود، راهبردهایی را اتخاذ کرده‌اند. همان‌طور که دختران در این مطالعه مشخص کردند، دخترانگی در جامعه بسیار سخت است، اما به سخت‌کوشی از طرف خود دختران نیاز است. در واقع دختران به این نتیجه رسیده‌اند که خودشان را تغییر دهند تا به مرور در جامعه فرهنگ‌سازی شود و به توانایی‌های دختران نیز ایمان آورند. این امر از طریق سخت‌کوشی به دست می‌آید. دختران با توانمند کردن خود و نشان دادن قابلیت‌هایی فراتر از زیبایی ظاهری خود می‌توانند بازتعریف درستی را در جامعه نهادینه کنند. در واقع اعتقاد دارند که برساختی که از جنسیت دختران وجود دارد، محصول گفتمان مردسالارانه‌ای است که ریشه در تاریخ و فرهنگ ایرانی دارد و دختران با مقاومتی سالم و سازنده می‌توانند گفتمان مورد قبول خودشان را غالب کنند.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت که گوش دادن به دختران به عنوان سوژه در راستای شناسایی دختران و جهت‌دهی بهتر به خواسته‌هایشان، بسیار اثربخش

است. در واقع دختران نیاز به شنیده شدن دارند. این مطالعه، نحوه بیان دختران را نشان داده است: بیان نیازها، احساسات، آرزوها و ترس‌های خود و همچنین نحوه ساکت شدن آنها در بیان احساسات خود. بنابراین ضروری است که فضاهای امن برای دختران ایجاد شود تا درباره موضوعات مورد علاقه صحبت کنند.

همچنین لازم است دختران را به مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز مجهز کرد؛ نیازی که بسیار نادیده گرفته شده است. لازم است دختران افزایش اعتماد به نفس خود را به شیوه درست بیاموزند و در ابراز مخالفت خود، نحوه بیان مؤثر را بدانند. بی‌عدالتی و تبعیض نسبت به دختران در زمینه‌های مختلف (مثلاً خانه، مدرسه و جامعه) وجود دارد. با توجه به این موضوع لازم است به دختران آموزش داده شود که چگونه در شرایط نابرابر مدبرانه رفتار کنند تا کمتر آسیب ببینند.

بنابراین از این مطالعه مشخص شد که دختران می‌خواهند دیده و شنیده شوند. آنها خواهان دیده شدن و شناسایی به عنوان سوژه هستند و نه به عنوان ابژه. آنها می‌خواهند احساس کنند و بدانند که اهمیت دارند. دختران خواهان انصاف، برابری جنسیتی و عدالت هستند و می‌خواهند آزاد باشند تا خودشان در محیطی امن، دلسوز و پررونق باشند.

منابع

- بخارایی، احمد (۱۳۹۴) «تحلیلی بر عوامل فرهنگی- اجتماعی مؤثر بر نابرابری جنسیتی (مطالعه زنان متأهل ۲۰ تا ۴۹ ساله شهر اصفهان)»، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، سال چهارم، شماره ۳، صص ۵۹-۸۲.
- پین، مایکل (۱۳۹۴) فرهنگ اندیشه انتقادی، از روشنگری تا پسامدرنیته، ترجمه پیام یزدانجو، تهران، مرکز.
- دهنوی، جلیل و سعید معیدفر (۱۳۸۴) بررسی رابطه احساس نابرابری جنسیتی و انگیزه تحرک اجتماعی در دختران دانشجو، مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان، سال ۷ دوره ۳، صص ۷۵-۵۱.
- رئوف ملایری، مریم و دیگران (۱۳۹۷) «نقش خانواده و مدرسه در شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران»، آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، سال ششم، شماره ۳، صص ۳۰۲-۳۱۱.
- شریفی، فاطمه و دیگران (۱۳۹۸) «بررسی اثربخشی مداخلات تربیتی بر هویت اخلاقی دختران ۱۴-۱۸ سال؛ با تأکید بر چالش‌ها و محدودیت پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده»، سال هفتم، تابستان، شماره ۱۵، صص ۵۷-۷۵.
- علویان، ریحانه سادات (۱۳۹۴) «انیمیشن‌ها، فضای مجازی و هویت جهانی (مطالعه موردی: وبلاگ‌های دختران ایرانی)»، مجله جهانی رسانه، سال دهم، شماره ۱، صص ۱-۱۶.
- فلیک، اووه (۱۳۸۸) درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشرنی.
- فیروزآبادی، سید احمد و علیرضا صادقی (۱۳۹۲) طرد اجتماعی، تهران، جامعه‌شناسان.
- قادرزاده، امید و دیگران (۱۳۹۶) «بازسازی معنایی تجربه زیسته دختران از تجرد زن در توسعه و سیاست»، پژوهش زنان، سال پانزدهم، شماره ۳، صص ۴۰۳-۴۲۶.
- گیدنز، آنتونی و کارن بردسال (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاووشیان، تهران، نشرنی.
- محمدی اصل، عباس (۱۳۹۶) برساخت اجتماعی جنسیت، تهران، گل‌آذین.
- محمودی، وحید و قاسم صمیمی‌فر (۱۳۸۴) «فقر قابلیت»، رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۷، صص ۹-۳۲.
- هال، استوارت (۱۳۹۳) درآمدی بر فهم جامعه مدرن (اشکال اجتماعی و فرهنگی مدرنیته)، ترجمه کاظم فیروزمندی و دیگران، تهران، آگاه.
- یعقوبی، علی (۱۳۹۳) نظریه‌های مردانگی، تهران، پژوهش‌ها.

(2014), PP 154-159.

- Hardy, S. a., & Carlo, G. (2005) Identity as a Source of moral motivation. *Human development*, 48, 232-256.
- Kelly, M., Inoue, K., Barratt, A., Bateson, D., Rutherford, A., & Ritchers, J. (2016) Performing femininity: Female agency and role in sexual life and contraceptive use-a qualitative study in Australia. *Culture, Health & Sexuality*, 19 (2), 240-255.
- Longmore, M.A. (1998). Symbolic Interactionism And The Study Of Sexuality. *Journal of Sex Research*, 35 (1), 44-57.
- Piorier, Emma, "The Girl House Project: Narratives of Girlhood and Building a Site of Analysis" (2020) *Gender & Queer Studies Research Papers*. 4. https://soundideas.pugetsound.edu/genderstudies_studentresearch/4.
- Silver, H. (1994) "Social exclusion and social solidarity": three paradigms. *International Labour Review*. 133, PP 531-78.
- Shea, M., Wong, Y., Wang, S., Sherry Wang, S., Jimenez, V., Hickman, S., & LaFollette, J. (2014) Toward a constructionist perspective of examining femininity experience: the development and psychometric properties of the subjective femininity stress scale, *Psychology of Women Quarterly*, 38 (2), 275-291.
- Van Wyk, Sherine B. (2015) "It's hard work to be a girl": Adolescent girls' experiences of girlhood in Three low-income communities in south, Thesis (PhD)--Stellenbosch University.
- Zajdow, G. (2007) *The gender order. in mllCti sociology: an introduction to Australian society*, Sydney: Allen & Unwin.